

فقر، آسیب پذیری و توسعه «مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار»*

مصطفی ازکیا**

چکیده

پژوهش حاضر در زمینه شناسایی اقشار آسیب پذیر روستایی در دشت گرمسار صورت گرفته است. هدف از اجرای این پژوهش در درجه اول طراحی دستگاه روش شناسی خاص مرتبط با اقشار اجتماعی در جامعه روستایی است. مدل به کار گرفته در این تحقیق با استفاده از چارچوب نظری جامعه شناسی پیرامون قشر بندی اجتماعی و از طریق کمی سازی مفاهیم نظری با کمک روش های تحلیل آماری نظیر تحلیل عاملی و رگرسیون چند متغیره صورت پذیرفته است. به علاوه سعی شده است که برخی از ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی اقشار آسیب پذیر روستایی بررسی شود. مطالعه نشان می دهد که سیاست های توسعه دهه های اخیر که با تکیه بر راهکارهای تعدیل ساختاری، آزادسازی و خصوصی سازی مورد کاربست مسؤلان اجرایی به ویژه در بخش کشاورزی قرار گرفته است، در ایجاد و گسترش اقشار آسیب پذیر در جامعه روستایی بی تأثیر نبوده است. لذا حمایت از این گونه اقشار در درجه اول به شناسایی آنان از طریق روش های علمی ارتباط دارد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، فقر، آسیب پذیری، قشر بندی اجتماعی، شاخص سازی، تعدیل ساختاری توسعه، آزادسازی، خصوصی سازی.

*. این مقاله براساس دستاوردهای دو مجلد پژوهش تحت عنوان "بررسی ابعاد اجتماعی و اقتصادی اقشار آسیب پذیر جامعه روستایی منطقه گرمسار" ۱۳۷۵ تدوین شده است. حمایت و پشتیبانی مالی برای تدوین گزارش های مذکور توسط مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی صورت پذیرفته است. در تهیه و تدوین گزارش های مذکور خانمها مهناز زند، طاهره خزایی و آقایان علیرضا محسنی تبریزی، محمود توکلی، هادی حسینی عراقی و مرتضی ازکیا، اینجانب را یاری داده اند. از همکاری نامردگان تشکر و قدردانی می شود. ***. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه

در سطح ملی کلیه گروه‌ها و اقشاری را که در نزدیکی خط فقر قرار دارند جزو گروه‌های آسیب‌پذیر قلمداد می‌کنند. در روستا به علت شرایط جغرافیایی و آب و هوایی خاص و نوع معیشت و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، آسیب‌پذیری حیطة گسترده‌تری را در برمی‌گیرد. در چنین شرایطی معمولاً نوع و میزان بهره‌گیری افراد از عوامل مختلف مؤثر در اقتصاد کشاورزی و دامداری و الگوهای مختلف بهره‌برداری از زمین، منابع آب، مکانیزاسیون و ... در قرار گرفتن و یا واقع نشدن فرد در وضعیت آسیب‌پذیری مؤثر است. در مطالعاتی که زیر نظر سازمان‌های بین‌المللی نظیر ایفاد^۱ انجام گرفته است گروه‌های آسیب‌پذیر به صورت زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

(۱) کشاورزان خرده‌پا (واحد‌های بهره‌برداری زراعی تا ۳ هکتار)

(۲) بی‌زمین‌ها (خانوارهای فاقد زمین زراعی)

(۳) شبانان کوچنده (خانواده‌هایی که در محل خاصی استقرار دائم نداشته و بخش اعظم درآمد و مصرف‌شان از راه دامداری و شبانی تأمین می‌شود)

(۴) ماهیگیران خرده‌پا و حرفه‌ای (خانواده‌هایی که در واحد‌های کوچک و اغلب با استفاده از قایق‌های پارویی و به صورت غیرمکانیزه به ماهیگیری اشتغال دارند)

(۵) جمعیت‌های قومی، بومی و محلی (خانواده‌هایی که بر طبق قانون و قواعد و رسوم کشورها، اجتماعاتی محلی و متمایز از کل شناخته می‌شوند)

(۶) جمعیت‌های مهاجر آواره و بی‌خانمان

(۷) خانوارهایی که بر طبق تعریف سازمان ملل متحد پناهنده شناخته می‌شوند

(۸) خانوارهای بی‌خانمان شده شبه پناهنده‌ای که موقتاً از محل اقامت عادی و معمولی

خود رانده شده‌اند

(۹) خانواده‌هایی که تحت سرپرست زنان هستند (زاهدی مازندرانی ۱۳۷۵).

با توجه به آنچه گفته شد اگر عوامل اقتصادی را شاخص اصلی فقر و آسیب‌پذیری تلقی کنیم اقشار روستایی که در تأمین حداقل نیاز (غذا، مسکن، پوشاک، تجهیزات و وسایل منزل) و بهره‌گیری از خدمات زیربنایی عمومی و رفاهی (بهداشت، آموزش، انرژی و ...) ناتوان هستند.

در زمرهٔ اقشار آسیب‌پذیر یا فقیر جامعه روستایی قرار دارند. این اقشار شامل خانوارهای خوش‌نشین کم درآمد فاقد افراد شاغل و یا دارای حداکثر یک نفر شاغل از یک سو و بهره‌برداران کشاورزی بی‌زمین و کم زمین از سوی دیگر هستند. به نظر می‌رسد که با توجه به شدت آسیب‌پذیری این گروه چنانچه این قبیل بهره‌برداران مورد حمایت دولت (بخش عمومی) قرار نگیرند ممکن است به سوی وضعیت فقر، و اسارت در تله محرومیت رانده شوند (ازکیا ۱۳۷۷، صص ۱۳۳-۱۳۵).

اگرچه با پیروزی انقلاب اسلامی بخش عمومی سعی کرد از طریق برخی نهادها و سازمانهای حمایتی (بهبیستی، کمیته امداد امام و ...) با زیرپوشش قرار دادن بخشی از اقشار تهیدست جامعه روستایی از شدت آسیب‌پذیری آنها بکاهد، اما فقدان شناخت عمیق از کم و کیف وضعیت این اقشار و همچنین ضعف نسبی اقدامات و بعضاً مقطعی بودن دامنه آگاهی این نهادها و سازمانها از چگونگی توزیع فقر و آسیب‌پذیری، آنها را در از میان برداشتن فقر و محرومیت در جامعه روستایی کم توان ساخته است. وانگهی به نظر می‌رسد که با اتخاذ سیاستهای آزادسازی و خصوصی‌سازی و لغو برخی سیاستهای حمایتی، موقعیت این اقشار نامناسب‌تر شده است. در نتیجه با توجه به آن که بخش عمده‌ای از گروههای آسیب‌پذیر مذکور از تولیدکنندگان بخش کشاورزی به شمار می‌آیند، این مخاطره وجود دارد که اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه کشاورزی دچار اشکال و اختلال شود. زیرا به سبب فشار بر منابع آب و خاک از یک طرف و ناتوانی تأمین نیازها در چارچوب بخش کشاورزی و محدوده روستاها ممکن است وضعیتی به وجود آید که با استلزامات توسعه پایدار در تعارض قرار گیرد. از این رو لازم است موقعیت این اقشار در جامعه روستایی به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا بلکه بتوان ضمن استمرار بخشیدن به روند توسعه، فرایند ایجاد و گسترش دامنه عدالت اجتماعی را نیز در جامعه روستایی هموار کرد.

به رغم اهمیت موضوع فقر و آسیب‌پذیری تاکنون مطالعه میدانی جامعی درباره‌ی آن در سطح کشور انجام نشده است. به همین مناسبت به منظور شناخت جوانب مختلف موضوع مورد مطالعه بدو این موضوع در منطقه گرمسار بررسی شد تا از این طریق مناسب‌ترین روش مطالعات جامع در سطح کشور به دست آید.

مبانی نظری

فقر و آسیب‌پذیری در جوامع بشری دارای ابعاد گوناگون است. اما جنبه‌های اقتصادی آن از نمود بیشتری برخوردار است و تا حدی می‌توان ابعاد مختلف فقر و آسیب‌پذیری را ناشی از تبعات فقر اقتصادی دانست. اگرچه تاکنون برای فقر تعاریف مختلف و تفکیک‌های گوناگون به لحاظ ابعاد آن از قبیل فقر مطلق و فقر نسبی به عمل آمده است، با این وجود بسیاری از اندیشمندان پدیده فقر و محرومیت را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند و حتی در برخی از موارد آندو را یک مفهوم تصور کرده‌اند. از جمله این اندیشمندان باید به تانزند^۱ متخصص اقتصاد جهان سوم اشاره کرد که در اثر خود به نام "فقر و گرسنگان" رهیافتی تحلیلی به سوی محرومیت به عنوان هسته اصلی تعریف فقر در پیش می‌گیرد و نشان می‌دهد که ایده نیاز یا محرومیت مطلق تنها راهی است که براساس آن جایگاهی محوری برای این مفهوم می‌توان قائل شد (زاهدی مازندرانی ۱۳۷۵).

در واقع افراد فقیر کسانی هستند که در تأمین حداقل نیازها و بهره‌گیری از خدمات زیربنایی عمومی و رفاهی، اجتماعی و اقتصادی در معرض محرومیت‌های نسبی یا مطلق قرار دارند. لذا مفهوم آسیب‌پذیری در بطن مفهوم فقر نهفته است و به عبارت دیگر این دو اصطلاح دو تعبیر از یک واقعیت تلقی می‌گردند. رابرت چمبرز در کتاب خود تحت عنوان "توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقراء"، آسیب‌پذیری را به معنای فقدان پشتوانه حفاظتی و حمایتی در برابر پیشامدهای اجتماعی چون رسوم اجتماعی (تدارک جهیزیه عروسی، عزاداری و یا تهیه سرمایه برای اعضاء خانواده)، مصیبت‌ها (قحطی، دزدی)، بلایای طبیعی، ناتوانی‌های جسمانی (بیماری، زایمان‌های پی در پی)، هزینه‌های غیرتولیدی و بهره‌کشی یا استثمار به کار می‌برد (چمبرز ۱۳۷۷).

در تحقیق حاضر مفهوم فقر و آسیب‌پذیری عمدتاً بر اساس فضای مفهومی چمبرز تجزیه و تحلیل شده است. هر چند در کنار آن از نظریات جامعه‌شناسانی چون گیدنز و پارکین نیز جهت تبیین مفاهیم مذکور در قالب نظریه‌های قشریندی استفاده شده است. بر اساس نظرات گیدنز پایه‌ی تفاوت‌های طبقاتی، داشتن یا نداشتن وسایل تولید است. او معتقد است در

چارچوب اقتصادی، سرمایه‌داران قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند، زیرا دارای حق مالکیت بر ابزار تولید هستند. در حالیکه کارگران فقط حق فروش نیروی کار خود را دارند. گیدنز همچنین حق سومی را نیز مطرح می‌کند که حق تملک مهارت و صلاحیت تحصیلی است. از دید او این سه حق یعنی مالکیت، تحصیل یا مهارت و نیروی کار سه پدیده‌ی اصلی در ارتباط با ساخت سه گانه‌ی طبقاتی در جوامع امروزی است. طبقه‌ی بالا، کنترل‌کننده مالکیت وسایل تولید است. طبقه‌ی متوسط، بدون تملک بر وسایل تولید، صاحب مهارت‌ها و تحصیلات ویژه‌ای است که آن را در بازار مبادله می‌کند و طبقه‌ی پایین فقط نیروی کار خود را در بازار می‌فروشند (لهسانی‌زاده ۱۳۷۴، صص ۷۳-۷۴). علاوه بر این گیدنز مسأله‌ی قشربندی و نابرابری و بطور کلی فقر را در چارچوب روابط استثماری نیز تبیین می‌کند جلوه‌هایی از این روابط استثماری را در رابطه بین شهر و روستا و در روابط مبتنی بر جنسیت نشان می‌دهد (گیدنز ۱۳۷۳، ص ۲۴۰).

فرانک پارکین نیز همانند وبر، مارکس و گیدنز معتقد است مالکیت دارایی - وسایل تولید - شالوده‌ی اصلی ساخت طبقاتی را تشکیل می‌دهد. اما به نظر وی، دارایی تنها یکی از اشکال انسداد و حصر اجتماعی است که می‌تواند به انحصار یک اقلیت درآید و همچون اساس سلطه بر دیگران به کار برده شود. انسداد اجتماعی به عنوان هر فرایندی که به وسیله آن گروه‌ها سعی می‌کنند کنترل انحصاری بر منابع برقرار نمایند و دسترسی به آنها را محدود کنند تعریف می‌شود. علاوه بر دارایی یا ثروت بیشتر ویژگی‌هایی را که ویر منشاء تفاوت‌های طبقاتی می‌داند ممکن است برای ایجاد انسداد اجتماعی مورد استفاده واقع شوند (گیدنز ۱۳۷۳، ص ۲۲۸).

پیشینه‌ی تجربی

بطور کلی تحقیقات مربوط به فقر و نابرابری روستائی در ایران را می‌توان در دو دسته اصلی طبقه بندی کرد: *

الف) پژوهش‌هایی که اساساً موضوع نابرابری یا قشربندی اجتماعی را بعنوان محور اصلی کار انتخاب کرده‌اند.

ب) مطالعاتی که مسأله را در ارتباط با سایر موضوعات مورد مطالعه قرار داده‌اند، که از

* از مهمترین آثار موجود در این زمینه می‌توان به آثار آقای صمی‌زاد (۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۷)، حسرو حسروی (۱۳۶۰، ۱۳۶۱)، عجمی (۱۳۴۰)، ارکیا - نیک خلق - ایروانی (۱۳۵۳، ۱۳۵۸)، حسام وزیری (۱۳۴۰)، توری (۱۳۵۶)، پل انگلیش (۱۹۶۶) و... نام برد.

میان آنها چند گروه اصلی قابل تمایزند:

- تحقیقاتی که فقر، نابرابری و قشربندی اجتماعی را در ارتباط با نظامهای بهره برداری از زمین مورد بحث قرار داده‌اند.

- تحقیقاتی که پدیده مذکور را در چارچوب مسائل توسعه روستائی بررسی نموده‌اند.

- مطالعاتی که مسأله را در قالب های مردم شناسانه بررسی کرده‌اند.

- از طبقه بندی آثار فوق که بگذریم آنچه بعنوان وجوه اشتراک تحقیقات انجام شده در این

زمینه می توان بیان کرد بشرح زیراست:

(۱) شاخص اصلی اغلب تحقیقات مذکور در بررسی ساخت طبقاتی روستاها، فقر و

نابرابری اجتماعی، مالکیت زمین بوده و به عوامل دیگر کمتر توجه شده است.

(۲) تعاریف داده شده در تحقیقات فوق اکثراً با یکدیگر هماهنگ و همخوان نیست و به

همین علت براحتمی نمی توان آنها را با یکدیگر مقایسه نمود.

(۳) آثار مذکور عمدتاً در سطح توصیف ساختارهای مختلف اجتماعی باقی مانده و کمتر

به تحلیل و تبیین موضوعات پرداخته‌اند.

(۴) از لحاظ دیدگاه نظری عمدتاً دو رویکرد "نوسازی" و "وابستگی" در این تحقیقات

بعنوان مبنای تئوریک تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

(۵) در پژوهش‌های کمی کمتر از روش های دقیق آماری و تحلیل های پیشرفته استفاده شده

و اغلب به جداول یکبعدی و دو بعدی و برخی آزمونهای ساده آماری بسنده شده است، بعلاوه

در فرایند شاخص سازی در مواردی که از روشهای ترکیبی سود برده شده کمتر شیوه‌های پیشرفته

وزن دهی، طبقه بندی و اعتبار یابی بکار گرفته شده‌اند.*

به طور اخص تنها مطالعه‌ای که در زمینه وضعیت روستاهای شهرستان گرمسار تا زمان

این تحقیق می توان به آن اشاره کرد طرح بررسی اجتماعی - اقتصادی نظامهای بهره برداری از

زمین در شهرستان گرمسار (ازکیا و دیگران، ۱۳۶۶) است که بخشی از آن به مباحث قشربندی

اجتماعی در شرایط قبل و پس از اصلاحات ارضی و نیز پس از انقلاب اسلامی پرداخته است.

این مطالعه بصورت عمقی و با استفاده از روش‌های کیفی اجرا شده است. در این تحقیق

ساخت طبقاتی جامعه‌ی روستایی بر اساس مالکیت زمین و دام بررسی شده و اقشار زیر از

یکدیگر متمایز شده‌اند:

*. از کارهای متاخرتر که تا حدودی مشکلات مذکور در آنها کمتر به چشم می خورد می توان به آثار آقای زاهدی مازندرانی (۱۳۷۶)، ازکیا

الف) دهقانان خرده‌پا (۲/۵۳ درصد) شامل دهقانان کم‌زمین، دهقانان سالخورده و از کارافتاده و ورثه دهقانان متوفی

ب) دهقانان متوسط (۳/۴۵ درصد)

ج) دهقانان مرفه (۵/۱ درصد)

در مجموع به نظر می‌رسد ادبیات پژوهش موجود در زمینه بررسی ابعاد مختلف فقر و آسیب پذیری روستایی به دلیل ضعف‌های موجود در تبیین نظری و تعریف مفهومی فقر روستایی، روش‌شناسی محدود به شاخص‌های تک‌عاملی (مالکیت زمینی) عدم بکارگیری از روش‌های آماری مناسب و تحلیل‌های چند متغیره، عدم توجه به اعتبار یابی سنجش و اندازه‌گیری و از همه مهم‌تر بی‌توجهی به اجرای پژوهش‌های چند رشته‌ای نیاز به بازنگری و تحول جدی دارند.

روش تحقیق

به لحاظ خصلت جامعه‌شناسی موضوع تحقیق و نیز به واسطه وسعت و گستردگی جمعیت مورد مطالعه و لزوم تحدید جامعه از طریق نمونه‌گیری و همچنین استفاده از پرسشنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و با تکیه بر فرضیات روابط علی^۱، روش اصلی تحقیق پیمایشی انتخاب گردیده است. با این وجود در مقاطع و مراحل از تحقیق از روش‌های مشاهده‌ای و کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است.

به منظور مطالعه اقشار آسیب‌پذیر، ضروری است که وضعیت جامعه روستایی گرمسار از نظر قشربندی مطالعه شود. به این منظور با توجه به خصوصیات اجتماعی - اقتصادی مندرج در سرشماری بیال ۱۳۶۵ از ۱۳۰ آبادی دارای سکنه در قلمرو شهرستان گرمسار تعداد ۲۱ روستا با استفاده از فرمول کوکران^۲ شارپ^۳ و با توجه به دو صفت فعالیت اقتصادی - کشاورزی عمده و تعداد خانوار انتخاب شدند. برای این منظور، کل روستاهای منطقه در چهار گروه اجتماعی - اقتصادی، به شرح زیر گروه‌بندی شوند و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده آبادی‌های مورد نظر انتخاب گردیدند.

1. Causal

2. Cochran

3. Sharp

گروه ۱) روستاهای کاملاً فعال (۳ تا ۴ فعالیت)* با خانوارهای بالای ۵۰
 گروه ۲) روستاهای تاحدودی فعال (۲ یا کمتر) با خانوارهای بالای ۵۰
 گروه ۳) روستاهای کاملاً فعال (۳ یا ۴ زمینه فعال کشاورزی) با خانوارهای زیر ۵۰
 گروه ۴) روستاهای تاحدودی فعال (۲ یا کمتر) با خانوارهای زیر ۵۰

پس از انتخاب دهات نمونه کلیه ۷۲۵ خانوار روستایی ساکن در آبادی‌های نمونه مورد سرشماری قرار گرفت. برای دستیابی به اهداف قشربندی اجتماعی و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر، پرسشنامه‌ای با ۵۰ سؤال تدارک دیده شد که بخشی از سؤالات آن در جهت شناسایی کلی و عمومی خصوصیات و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی پاسخگویان و بخشی دیگر در راستای سنجش قشربندی اجتماعی پاسخگویان بوده است. این پرسشنامه در مورد کلیه خانوارهای ساکن اعم از صاحب زمین و یا بدون زمین تکمیل گردید. با استفاده از اطلاعات این پرسشنامه جامعه‌ی روستایی مورد مطالعه به اقشار و گروه‌های اجتماعی تقسیم شد و سپس از میان آنها نمونه‌هایی مبتنی بر قشربندی اجتماعی جهت جمع‌آوری اطلاعات سایر بخش‌های تحقیق به روش سهمیه‌ای انتخاب گردید.

روش شاخص‌سازی

روش اصلی شاخص‌سازی در زمینه توزیع اقشار اجتماعی در تحقیق حاضر مبتنی بر تحلیل‌های آماری نظیر رگرسیون چندمتغیره و تحلیل عاملی بوده و در کنار آن به عنوان مقایسه و تکمیل، از روش تحلیل خوشه‌ای نیز جهت دسته‌بندی و اولویت‌بندی برخی از عوامل دخیل در شاخص‌سازی از نظر پاسخگویان استفاده شده است. در این روش در مرحله نخست با ارائه یک تعریف عملیاتی از مفهوم قشربندی براساس دیدگاه نظری ارائه شده توسط "دانکن"، جامعه‌شناس امریکایی، شاخص‌های اصلی جهت تعیین وضعیت قشربندی انتخاب شدند. مراحل اصلی شاخص‌سازی در تحقیق حاضر به شرح زیر است:

الف) تعریف عملیاتی مفهوم قشربندی و معرف‌های آن: در این مطالعه قشربندی اجتماعی - اقتصادی عبارت است از وضعیت و میزان برخورداری افراد جامعه از تحصیلات، شغل و دارایی به همراه نسبت درآمد به هزینه آنها (فراخی معاش)

تحصیلات: منظور از تحصیلات، سطح و مرتبه تحصیلی افراد در یک پیوستار ۸ درجه‌ای می‌باشد که از بی‌سواد شروع و به تحصیلات عالی منتهی می‌گردد.

شغل: منظور از شغل عبارتست از منزلت شغلی مشاغل اصلی و فرعی افراد در جامعه، که در تعیین آن از نظر متخصصان و آگاهان جهت تعیین میزان اهمیت و اولویت مشاغل (منزلت اجتماعی - اقتصادی) استفاده شده و بر همین اساس مشاغل پاسخگویان بر حسب یک گروه‌بندی منزلتی ۷ گانه طبقه‌بندی و سپس رتبه‌بندی شده است.

دارایی: منظور از دارایی عبارت است از میزان برخورداری افراد از هر یک از عوامل تشکیل دهنده متغیر دارایی شامل: میزان زمین و باغ تحت اختیار، تعداد واحد دامی، مالکیت ابزار و ادوات کشاورزی، ارزش مسکن، مالکیت خودرو، کامیون سواری، وانت و موتورسیکلت و ... نسبت درآمد به هزینه: عبارتست از نسبت درآمد سالانه به هزینه سالانه خانوار.

ب) شیوه وزن‌دهی مؤلفه‌های تشکیل دهنده دستگاه شاخص. در این تحقیق برخی از متغیرهای مورد استفاده نظیر منزلت شغلی با استفاده از نظرات کارشناسان و مؤلفه‌های دارایی با استفاده از معادل ریالی آن، وزن‌دهی و رتبه‌بندی شدند. متغیرهای اصلی تحقیق و نیز معرف‌های درجه اول شاخص قشربندی از طریق عملیات آماری نظیر رگرسیون چند متغیره و تحلیل عاملی، مورد بررسی و وزن‌دهی قرار گرفتند و در نهایت وزن‌های بدست آمده با وزن‌های استخراج شده از طریق تحلیل خوشه‌ای که براساس نظرات پاسخگویان صورت پذیرفته بود، مقایسه و تکمیل شدند.

روش تبدیل به معادل ریالی بر اساس قیمت‌های منطقه‌ای در مورد متغیرهای ترکیبی تشکیل دهنده شاخص ثروت که عبارتند از میزان زمین تحت تصرف (سه‌م‌بری، ملکی، اجاره‌ای) تعداد واحدهای دامی، ابزار و ادوات کشاورزی، دارایی‌های عمده (کامیون، سواری، وانت و موتورسیکلت) ارزش مسکن، کشت تجاری و باغی به کار گرفته شد. نتایج تحلیل عاملی نشان دادند درصد واریانس تبیین شده توسط عامل شماره‌ی یک که مبتنی بر مالکیت زمین است معادل ۳۰/۶ درصد است از این رو این عامل بعنوان مهمترین عامل یا سازه‌ی قشر بندی اقتصادی تشخیص داده می‌شود، عامل دوم تحت عنوان دارایی‌های عمده با ۱۸ درصد در رده‌ی دوم و عامل سوم یعنی مالکیت دام با ۱۶/۹ درصد در رتبه‌ی سوم قرار گرفته اند.

کاربرد تحلیل عاملی نیز نشان داد که در ماتریس عوامل چرخش یافته متغیرهای زمین زراعی و زمین زیرکشت تجاری و باغی بیشترین بار عاملی را روی عامل اول و نیز متغیرهای ارزش مسکن و دارایی‌های عمده بیشترین بار عاملی را روی عامل دوم و متغیر تعداد واحد دامی

بیشترین بار را روی عامل سوم فراهم ساخته‌اند بدین ترتیب کلیه متغیرهای مربوط به ثروت را می‌توان به ۳ عامل کلی مالکیت زمین، دارایی‌های عمده، مسکن و مالکیت دام تقلیل داد.

جدول شماره‌ی ۱. ماتریس عوامل چرخش‌یافته شاخص ثروت و بارهای عاملی متغیرها

نام متغیرها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
زمین زراعی	۰/۸۸۵۶	۰/۰۴۷۹	۰/۰۹۸۳
ارزش مسکن	۰/۱۴۴۴	۰/۷۲۷۸	-۰/۳۱۱۲
ابزار کشاورزی	۰/۳۷۳۶	۰/۰۷۹۷	۰/۳۲۹۳
دارایی‌های عمده	-۰/۰۲۴۵	۰/۷۶۵۰	۰/۳۲۰۰
واحد دامی	۰/۰۶۵۵	-۰/۰۲۲۴	۰/۸۷۱۷
کشت تجاری و باغی	۰/۸۸۳۰	۰/۰۳۶۱	-۰/۰۲۱

در مرحله بعدی برای وزن‌دهی چهار شاخص اصلی مفهوم قشربندی یعنی شغل، سواد، ثروت و نسبت درآمد به هزینه از هر دو روش رگرسیون و تحلیل عامل استفاده شد. رگرسیون چند متغیره در مورد متغیرهای مذکور با وابستگی متغیر ارزیابی پاسخگویان از موقعیت اقتصادی - اجتماعی خویش، ضرایب تأثیر یا وزن‌های زیر را جهت متغیرهای مستقل فراهم آورده است.

تحصیلات	۰/۴۱۲
نسبت درآمد به هزینه	۰/۲۴۷
شغل	۰/۲۰۶
ثروت	۰/۹۰۱

وزن‌های مذکور را به منظور ساده‌سازی در عدد ۱۰ ضرب و معادله زیر برای قشربندی به دست آمد.

$$۹ \times \text{ثروت} + (۲ \times \frac{\text{درآمد}}{\text{هزینه}}) + (۴/۲ \times \text{تحصیلات}) + (۲ \times \text{شغل}) = \text{قشربندی}$$

برای آگاهی کامل در این زمینه به جدول شماره‌ی ۲ مراجعه شود.

$$+ (\text{نسبت درآمد به هزینه} \times ۲/۴۷) + (\text{تحصیلات} \times ۴/۱۲) + (\text{رتبه منزلت شغلی} \times ۲/۰۶) +$$

$$(\text{ثروت} \times ۹/۰۱) = \text{قشربندی}$$

جدول شماره ۲. دستگاه شاخص سازی جهت سنجش مفهوم قشر بندی
تعاریف عملیات - شاخص سازی - وزن دهی

مفهوم	معرف درجه	وزن معرف درجه	معرف درجه ۲	معرف درجه ۳	وزن معرف درجه سه با استفاده از معادل ریالی
قشر بندی	دارایی	۰/۹۰۱	زمین کشاورزی غیر تجاری (زراعی) و باغی	زمین ملکی آبی	۷
				زمین ملکی دیم (حذف)	-
				زمین اجاره ای آبی	۱/۵
				زمین سهم بری آبی	۱
				زمین اجاره ای دیم (حذف)	-
				زمین موقوفه دیم (حذف)	-
				زمین تجاری و باغی	۱۰
				صیفی	۳
				باغ	۳
				ادوات کشاورزی	۰/۹۰۱
خرمنکوب	۵				
سمپاش	۲				
موتور پمپ	۱۲				
الکترو موتور (حذف)	-				
دارائی عمده	۰/۹۰۱	کامیون	۷۰		
سواری	۲۰				
وانت	۱۵				
موتورسیکلت	۲				
ارزش مسکن	-	-	-		
دام	۰/۹۰۱	گوسفند و بیره	۰/۱		
بز و بزغاله	۰/۰۸				
گاو و گوساله	۰/۵				
تحصیلات	۰/۴۰۱				
شغل	۰/۲۰۶				
نسبت درآمد به هزینه	۰/۲۴۷				

ترکیب متغیرها و معرفها با لحاظ کردن وزن آنها و در نهایت سنجش مفهوم اولیه

ج) ترکیب متغیرها و ساخت شاخص قشربندی: پس از مشخص شدن وزن‌های هر متغیر، مرحله بعدی ترکیب متغیرها جهت بدست آوردن توزیع نهایی نمرات افراد از شاخص قشربندی است. پس از محاسبه نمرات شاخص قشربندی کلیه ۷۲۵ خانوار مورد مطالعه در ۲۱ روستای نمونه نمرات حاصله براساس فواصل برابر دامنه تغییرات آن به ۳ بخش مساوی تقسیم شد. پایین‌ترین طبقه از توزیع نمرات به عنوان قشر پایین جامعه، طبقه میانی توزیع به عنوان قشر متوسط جامعه و طبقه بالای توزیع به عنوان قشر بالای جامعه در نظر گرفته شد. براساس ملاک داشتن و یا نداشتن زمین ملکی اقشار سه گانه به دو گروه دهقان (دارای زمین) و بی‌زمین تقسیم شدند. به این ترتیب ۶ قشر روستایی از یکدیگر متمایز گردید، یعنی در میان دهقانان و بی‌زمین‌ها سه قشر مرفه، متوسط، و فقیر از یکدیگر تشخیص داده شدند. از مجموع این خانوارها ۵۲/۸ درصد در قشر پایین، ۴۲/۱ درصد در قشر متوسط و ۵/۱ درصد در قشر بالا توزیع شدند.

جدول شماره‌ی ۳. توزیع فراوانی اقشار اصلی و فرعی روستایی منطقه گرمسار

اقشار اصلی	فراوانی	درصد	اقشار فرعی	فراوانی	درصد
روستائیان فقیر	۳۸۴	۵۲/۸	زمین دار	۶۸	۹
			بی‌زمین	۳۱۴	
روستائیان متوسط	۳۰۴	۴۲/۱	زمین دار	۲۵۰	۳۵
			بی‌زمین	۵۰	
روستائیان مرفه	۳۷	۵/۱	زمین دار	۳۴	۵
			بی‌زمین	۹	
جمع	۷۲۵	۱۰۰		۷۲۵	۱۰۰

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان تحت عناوین ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر و برهمکنش نابرابری‌های اجتماعی، سطح توسعه یافتگی در ارتباط با قشربندی اجتماعی و اقشار آسیب‌پذیر خلاصه کرد. اما قبل از پرداختن به موارد مذکور لازم است اندکی به یافته‌های روش‌شناختی تحقیق که از جمله اهداف اصلی آن بشمار می‌رود

بپردازیم.

اهم یافته‌های روش شناختی تحقیق عبارتند از:

۱) بررسی پژوهش‌های عمده‌ی انجام شده در زمینه‌ی قشربندی روستایی بیانگر محور بودن مالکیت زمین در تشخیص اقشار روستایی است اما از آنجا که در چند دهه‌ی اخیر جامعه‌ی روستایی در ایران دستخوش دگرگونی‌های زیادی شده است لذا علاوه بر مالکیت زمین سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی در تعیین اقشار روستایی سهیم شده‌اند. از این رو در تحقیق حاضر با استفاده از روش سنجش ترکیبی و بکارگرفتن حدود ۲۴ متغیر اقتصادی - اجتماعی، اقشار اجتماعی از یکدیگر تفکیک شدند.

۲) در معدود مطالعات قشربندی روستایی که از روش ترکیبی سود برده‌اند؛ مبنای کار استفاده از روش‌های بدون وزن یا وزن‌دهی از طریق نظرات کارشناسان بوده است. در تحقیق حاضر در وزن‌دهی متغیرها و شاخص‌ها شیوه‌های دقیق‌تر آماری کارایی بیشتری در تعیین میزان اهمیت شاخص‌ها و متغیرها از خود نشان دادند.

۳) در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از دستگاههای شاخص‌سازی مبتنی بر تعاریف عملیاتی جهت قابل سنجش کردن دستگاههای نظری، کمی‌سازی مفاهیم، ترکیب متغیرها بر اساس اهمیت و اولویت آنها در جامعه‌ی مورد مطالعه با استفاده از روش‌های آماری، اعتباریابی دستگاه شاخص‌سازی با استفاده از روش‌هایی نظیر تحلیل عامل، از جمله گام‌های اساسی در سنجش دقیق اقشار روستایی بشمار می‌رود.

ویژگی‌های اجتماعی

بطور کلی قشربندی اجتماعی در جامعه روستایی مورد مطالعه، در دوران معاصر تحولات زیادی را به خود دیده است که نتیجه آن تنوع و در عین حال پیچیدگی ساختاری این جامعه است. اقشار سنتی جامعه روستایی پس از انقلاب کاملاً دگرگون شده‌اند. به صورتی که به تدریج سهم غیرکشاورزان از کشاورزان در روستاهای پرجمعیت پیشی گرفته است. قشر خوش‌نشین نسبتاً مرفه که در گذشته درصد ناچیزی از جمعیت روستایی را دربرمی‌گرفت، امروز وسعت قابل توجهی یافته است و خود به اقشار فرعی‌تری تقسیم شده است. با توجه به مطالعه‌ی میدانی در منطقه گرمسار ویژگی‌های زیر را می‌توان پیرامون گروه‌های اجتماعی روستایی برشمرد.

الف) دهقان فقیر: به کسی اطلاق می‌شود که از طریق کشاورزی به عنوان شغل اصلی و

بعضاً شغل دوم و یا موازی شغل اصلی امرار معاش می‌کند. از نظر میزان ثروت در میان دهقانان کمترین و در میان اقشار ۶ گانه در رده چهارم قرار دارد. از نظر نسبت درآمد به هزینه پایین‌ترین قشر در میان اقشار ۶ گانه محسوب می‌شود و درآمدهایش به سختی کفاف هزینه‌ها را می‌دهد. دارای زمین ملکی زیر ۲/۵ هکتار است و گاهی نیز به روی زمین دیگران به سهم‌بری می‌پردازد که متوسط آن زیر ۰/۵ هکتار است. از نظر وضعیت دامداری با متوسط ۴ واحد دامی در پایین‌ترین رده در میان تمام اقشار قرار گرفته است. تا حدودی به فعالیت‌های کارگری برای دیگران می‌پردازد و حداقل ۵۰ روز در سال را به این کار مشغول است. اغلب فاقد ابزار و ادوات کشاورزی مناسب، امکانات رفاهی زندگی و وسایل منزل، مسکن قابل سکونت از نظر استانداردهای اولیه می‌باشند.

ب) دهقانان متوسط: به افرادی گفته می‌شود که اکثراً به شغل کشاورزی اشتغال دارند و در کنار آن به برخی از مشاغل خدماتی نیز مشغولند. پوشش شغل کشاورزی در این قشر، از هر دو قشر دیگر دهقانی بالاتر است. نسبت درآمد به هزینه این افراد بالاتر از یک است و نشان می‌دهد که آنان تا حدودی قادر به پرداخت هزینه‌های زندگی و کشاورزی هستند. اما این میزان در حدی نیست که موجب انباشتگی سرمایه و ثروت را برایشان فراهم آورد. میزان زمین در اختیار این افراد کمتر از ۵ هکتار (۲/۵ تا ۵ هکتار) است. بطور متوسط دارای ۰/۵ هکتار باغ هستند و حدود ۵۱ واحد دامی را مالک هستند. با توجه به وضعیت اشتغال حدود ۱۲ درصد افراد این قشر در مشاغل غیرکشاورزی اشتغال دارند. متوسط روزهای کار این گروه در مشاغل فوق‌الذکر حدود ۹۳ روز در سال است که بیشترین مقدار در میان اقشار دهقانی و رده دوم در میان تمام اقشار است.

ج) دهقانان مرفه: اعضای این قشر نیز اکثراً به شغل کشاورزی مشغول هستند، از نظر میزان ثروت این گروه در بالاترین رده در میان تمام اقشار قرار دارند و از نظر اقلامی چون ابزار و ادوات کشاورزی، امکانات، رفاهی زندگی، دارایی‌های عمده، مسکن و ... در وضعیتی بسیار مطلوب نسبت به سایر اقشار قرار دارند. نسبت درآمد به هزینه این گروه بطور متوسط ۱/۸ است و نشان می‌دهد درآمدهای آنان به طور متوسط در حدود ۲ برابر هزینه‌ها است. میزان زمین ملکی تحت اختیار آنان بین ۵ تا ۱۰ هکتار است. این قشر حدود یک سوم هکتار از زمین‌های تحت اختیار خویش را به زیر کشت محصولات تجاری برده و در مواقعی نیز به دلیل قدرت بالای مالی به اجاره اراضی دیگران نیز می‌پردازد. از نظر وضعیت باغداری این گروه در رده دوم در میان تمام اقشار قرار می‌گیرد و حدود ۰/۶ هکتار باغ در اختیار دارند. همچنین میانگین تعداد واحد دامی

در این قشر حدود ۸۸ واحد است که پس از روستائیان مرفه فاقد زمین در مرتبه دوم قرار دارند. به علاوه اعضای این گروه نه تنها به فعالیت کارگری مشغول نیستند بلکه از نیروی کار مزدبگیر دیگر اقشار نیز استفاده می‌کنند.

د) فقرای روستایی فاقد زمین: اعضای این قشر بطور عمده کارگر هستند و در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی به فروش کار یدی خویش مبادرت می‌ورزند. نسبت درآمد به هزینه آنان حدود ۱ است. آنان به سختی قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خویش هستند. میزان زمین اجاره‌ای تحت اختیار این گروه حدود ۰/۱۳ هکتار و سهمبری حدود ۰/۳۹ هکتار است. فاقد فعالیت باغداری هستند و حدود ۱۰ واحد دامی در اختیار دارند. از نظر تعداد روزهای کارگری با متوسط ۱۰۱ روز کار در سال بیشترین میزان فروش کار یدی را در میان تمام اقشار به خود اختصاص داده‌اند. اعضای این گروه تمام عوامل فقر و آسیب‌پذیری گفته شده در میان قشر فقیر دهقانی را با شدت بیشتری دارا هستند، علاوه بر آنکه فقدان زمین نیز خود به تشدید اوضاع نابسامان آنان کمک می‌کند.

ه) روستائیان متوسط بی‌زمین: در میان این قشر بخشی از افراد به فعالیت‌های کشاورزی به صورت اجاره‌کاری و سهم بری و بخش عمده دیگری در مشاغل خدماتی و کارگری مشغولند. از نظر میزان ثروت در پنجمین رده قرار دارد و تقریباً با دهقانان فقیر در این زمینه یکسان هستند. نسبت درآمد به هزینه آنان اندکی بالاتر از یک است و نشان می‌دهد که هزینه‌ها و درآمدهایشان با یکدیگر مساوی است. این گروه فاقد فعالیت باغداری هستند و میانگین واحد دامی در اختیار آنان ۶۷ واحد دامی است و با ۸۶/۹ روز کارگری در سال مقام سوم را از نظر میزان فروش کار یدی در اختیار دارند.

- روستائیان مرفه بی‌زمین: مشاغل کشاورزی و وابسته به آن عمده‌ترین فعالیت اعضای این قشر است که پوششی معادل ۱۰۰ درصد را در اختیار دارند. از نظر ثروت پس از دهقانان مرفه در مرتبه دوم قرار دارند و از نظر نسبت درآمد هزینه در رده سوم و چیزی بیشتر از ۱/۶ برابر هزینه‌هایشان درآمد دارند. بیشترین میزان فعالیت باغداری با متوسط ۰/۸ هکتار و نیز بیشترین تعداد واحد دامی با متوسط ۱۷۷ واحد در این قشر دیده می‌شود.

ویژگی‌های جمعیتی اقشار آسیب‌پذیر

براساس یافته‌های تحقیق، متوسط تعداد اعضای خانوار (بعد خانوار) در میان روستائیان فقیر دارای زمین ۳/۹ و در بین روستائیان فقیر فاقد زمین ۴/۳ نفر است. اقشار آسیب‌پذیر در جامعه مورد مطالعه که نسبت به اقشار دیگر دارای خانواده‌هایی "ناکامل" هستند و این به معنی آن است که یک یا تعدادی از اعضای خانوار به دلیل مهاجرت، مرگ سرپرست و ... همراه خانوار نبوده و یا از آن جدا شده‌اند. گروه‌های فرعی‌تری که در میان قشر فقیر دیده می‌شوند عبارتند از: خانوارهای دارای سرپرست زن (۸/۶ درصد کل خانوارهای فقیر)، خانوارهای دارای سرپرست کهنسال (۲۰ درصد)، خانوارهای با بعد خانوار بالا و نسبت وابستگی بالا (۱۱ درصد)، خانوارهایی که هیچ عضو شاغلی ندارند (۵/۲ درصد). خانواده‌هایی که سرپرست آنها در مشاغل کارگری ساده به کار مشغولند (۲۶/۳ درصد) و بالاخره خانوارهای تحت پوشش سازمان‌های حمایتی که ۷/۶ درصد خانوارهای فقیر را تشکیل می‌دهند.

یکی از مسایل عمده اقشار آسیب‌پذیر در جامعه مورد مطالعه مهاجرت است که در میان اقشار فقیر و مرفه جامعه روستایی قابل رؤیت است. اما در میان اقشار مرفه تقریباً اکثر اعضای خانوار با هم مهاجرت می‌کنند. ازدواج، کسب درآمد بیشتر و امکانات رفاهی برای تمام خانواده موجب مهاجرت شده است. در صورتی که در میان اقشار فرودست مهاجرت کامل خانواده کمتر دیده می‌شود. یعنی مهاجرت در میان اقشار مرفه عمدتاً به دلیل کسب نیازهای ثانویه و زندگی جدید صورت می‌پذیرد، یکی از نیازهای ثانویه تحصیلات عالی فرزندان است که در میان این قشر از عوامل مهم مهاجرت است و این در حالی است که فرزندان اقشار آسیب‌پذیر پس از طی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی از تحصیل باز می‌مانند و به دنبال کسب درآمد و یا شغل می‌روند. به طور کلی در اقشار فقیرتر تعداد خانوارهای مهاجر بیشتر از اقشار مرفه است. جمعیت مورد مطالعه به خاطر مسأله‌ی مهاجرت در حال کاهش و دارای رشد جمعیت منفی است و بدین ترتیب از سکنه روستاهای مورد مطالعه کم کم کاسته شده و روستاها به آبادی‌های کم جمعیت تغییر شکل می‌دهند. سایر ویژگی‌های جمعیتی جامعه مورد مطالعه را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

الف) بین قشربندی اجتماعی و بعد خانوار رابطه مستقیمی وجود دارد و اقشار اجتماعی بالاتر دارای بعد خانوار بیشتری هستند.

ب) بین مالکیت زمین و بعد خانوار رابطه مستقیم وجود دارد و اقشاری که دارای زمین

ملکی هستند از اقشار فاقد زمین بُعد خانوار بیشتری دارند.

ج) بین میزان توسعه یافتگی و بعد خانوار رابطه وجود دارد و با افزایش سطح توسعه یافتگی در روستاها (تا حد متوسط) بعد خانوارها نیز افزایش می یابد.

د) اقشار مرفه تر روستایی دارای سرپرستان مسن تری هستند. همچنین اقشار دهقانی میانگین سنی بیشتری نسبت به اقشار فاقد زمین دارند.

ه) اگرچه محور اصلی فعالیتها در روستاهای مورد مطالعه برای اغلب اقشار کشاورزی مشاغل وابسته است، اما در میان اقشار فقیرتر تنوع شغلی بیشتری دیده می شود. به طوری که علاوه بر اشتغال به کشاورزی بیشتر به مشاغل فرعی و دارای تنوع گوناگون می پردازند.

ویژگی های اقتصادی

الف) توزیع درآمد از طریق کل درآمدهای خانوار: میانگین کل درآمد سالانه هر خانوار از میان خانوارهای مورد مطالعه برابر ۱۵۸۶۰۵۶۹ ریال است. به منظور تعیین شاخص توزیع درآمد، درآمدهای کل خانوارها به ترتیب از پایین به بالا مرتب گردید. سپس خانوارها به ۱۰ گروه تقسیم شدند. برای هر کدام از این گروهها، درآمدهای تجمعی محاسبه شد و سپس درصدهای درآمدهای تجمعی و درصد دریافت کنندگان درآمد نیز محاسبه گردید. جدول شماره ۴، این مقادیر را برای گروههای ۱۰ گانه درآمدی نشان می دهد.

جدول شماره‌ی ۴. درآمد تجمعی، سهم نسبی از درآمد کل و درصد تجمعی دریافت کنندگان درآمد در گروه‌های دهگانه

گروه‌های درآمدی	درآمد تجمعی (ریال در سال)	سهم نسبی از کل درآمد (درصد)	درصد تجمعی دریافت کنندگان درآمد
اول	۱۱۳۸۲۰۸۰	۰/۴۷	۰/۴۷
دوم	۵۳۴۱۲۶۲۵	۲/۲۲	۲/۶۹
سوم	۷۹۲۴۹۴۵۰	۳/۲۹	۵/۹۷
چهارم	۹۶۵۶۶۵۵۱	۴/۰۱	۹/۹۸
پنجم	۱۳۰۲۰۸۵۰۵	۵/۴۰	۱۵/۳۸
ششم	۱۹۳۱۳۶۵۱۵	۸/۰۱	۲۳/۳۹
هفتم	۲۳۹۷۸۴۸۲۵	۹/۹۵	۳۳/۳۴
هشتم	۲۹۹۴۵۳۳۱۵	۱۲/۴۲	۴۵/۷۶
نهم	۴۱۳۶۱۹۹۶۰	۱۷/۱۶	۶۲/۹۲
دهم	۸۹۴۰۶۶۹۹۹	۳۷/۰۸	۱۰۰
جمع	۲۴۱۰۸۸۰۸۲۵	۱۰۰	-

یکی از مقیاس‌های نابرابری توزیع نسبت درآمدهای دریافت شده به وسیله گروه ۴۰ درصد پایین درآمدی در مقایسه با گروه ۲۰ درصدی بالای درآمدی است. این نسبت اغلب به عنوان مقیاس درجه نابرابری بین دو حد افراطی بسیار فقیر و بسیار غنی به کار می‌رود. در جامعه مورد بررسی نسبت نابرابری معادل با:

$$\text{مقیاس نابرابری} = \frac{(۰/۴۷ + ۲/۲۲ + ۳/۲۹ + ۴/۰۱)}{(۱۲/۴۲ + ۱۷/۱۶ + ۳۷/۰۸)} = ۰/۱۴$$

مشاهده می‌شود که کمتر بودن این مقیاس بیانگر این واقعیت است که مجموع سهم ۴۰ درصد از گروه‌های پایین درآمدی از درآمد کل، از سهم ۲۰ درصد گروه‌های بالای درآمدی کمتر است و این نابرابر بودن توزیع درآمد را نشان می‌دهد. در این مطالعه منحنی لورنز نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از خانوارهای مورد بررسی ۰/۴۷ درصد از کل درآمد را دریافت می‌دارند و ۲۰ درصد از گروه‌های بالای درآمدی نیز از ۶۶ درصد کل درآمد را دریافت می‌کنند. ضریب جینی محاسبه شده نیز معادل ۰/۵۱ است. این ضریب نشان دهنده نابرابری توزیع درآمد است. (ب) توزیع درآمد از طریق هزینه‌های کل خانوار: همانند کل درآمدهای خانوار، کلیه اقلام

هزینه‌های خانوارها با هم جمع شد و از این طریق کل هزینه سالیانه‌ی خانوار محاسبه شد. سپس میانگین کل هزینه سالانه برای خانوارهای مورد مطالعه بدست آمد. این رقم برابر $۱۶۹۵۶۹۱۳/۹$ ریال است. مقیاس نابرابری براساس اطلاعات هزینه‌ای خانوارها معادل $۰/۱۶$ است. یعنی مقایسه ۴۰ درصد پایین گروههای هزینه‌ای به ۲۰ درصد بالای گروههای هزینه‌ای. مقایسه این نسبت یا رقم $۰/۱۴$ حاصل از درآمدهای کل خانوار نیز بیانگر این واقعیت است که اگر از طریق هزینه خانوار نیز توزیع درآمد را بررسی کنیم، باز هم توزیع درآمد در جامعه مورد بررسی بسیار ناعادلانه است. محاسبه ضریب جینی نیز از این طریق معادل $۰/۴۹$ بدست آمده است که مقایسه آن با ضریب $۰/۵۱$ حاصله از روش درآمدی بیانگر توزیع نسبتاً نابرابر درآمد است.

ج) خط فقر: جهت تعیین خط فقر، کل درآمدهای خانوار را از پایین به بالا مرتب گردید و سپس میانه درآمدها را محاسبه شد که معادل ۱۰۵۹۶۴۵۰ ریال در سال است. نصف میانه توزیع درآمد برابر ۵۲۹۸۲۲۵ ریال در سال برآورد گردید. بدین ترتیب خانوارهایی که درآمد آنها در سال از مبلغ فوق‌الذکر کمتر است، در این مطالعه جزء خانوارهای فقیر محسوب شدند. به عبارت دیگر خانوارهایی که درآمد ماهیانه آنها از ۴۴۱۵۱۸۷۵ ریال در ماه کمتر باشد، جزء خانوارهای فقیر محسوب می‌گردند. از طریق هزینه‌های کل نیز می‌توان خط فقر را محاسبه کرد. بر این اساس میانه کل هزینه‌ها، معادل ۱۱۲۱۰۷۰۰ ریال در سال است. نصف میانه توزیع هزینه برابر ۵۶۰۵۳۵۰ ریال در سال است. بنابراین خانوارهایی که هزینه (درآمد) آنها در سال کمتر از مبلغ فوق یا کمتر از ۴۶۷۱۱۲۱۵ ریال در ماه باشد جزء خانوارهای فقیر محسوب می‌شوند.

مقایسه خط فقر ماهیانه محاسبه شده از دو روش حاکی از آن است که تفاوت چندانی ندارد و به علاوه خط فقر محاسبه شده از طریق هزینه منطقی‌تر و به واقعیت نزدیکتر است. براساس این مطالعه حدود ۲۵ درصد از جامعه مورد مطالعه از نظر درآمدی فقیر و از نظر هزینه ۲۷ درصد فقیر محسوب می‌شدند. میزان ابتلاء به فقر و آسیب‌پذیری در بین روستائیان فاقد زمین بیشتر از روستائیان صاحب نسق زراعی است و یافته‌های حاصله نشان می‌دهد که در جامعه دهقانی گرمسار $۳۸/۱$ درصد دهقانان صاحب نسق زیر خط فقر قرار دارند که خرد و پراکنده بودن اراضی، بهره‌برداری بهینه از منابع آب، خاک، ماشین‌آلات و نیروی کار را ناممکن ساخته و ابتلای جامعه دهقانی خرده‌پا را به فقر و آسیب‌پذیری موجب شده است. حال آنکه در گروه روستائیان فاقد زمین ۳۲ درصد قشر میانی و $۵۳/۳$ درصد از قشر پایین قادر به تأمین حداقل معیشت نیستند و زیر خط فقر قرار دارند.

رابطه قشربندی، نابرابری اجتماعی و سطح توسعه یافتگی روستاها

صورت دیگر قشربندی اجتماعی را می‌توان به صورت نابرابری‌های اجتماعی متصور شد، جایی که اقلتار اجتماعی تشخیص داده شده از یکدیگر دور باشند و شکاف قابل ملاحظه‌ای میان آنها وجود داشته باشد، نابرابری‌های اجتماعی رخ می‌نمایند. در جامعه‌ای که این شکاف‌ها و فاصله‌ها کمتر و کم عمق‌تر است نابرابری‌های اجتماعی کم‌رنگ‌تر و کم تأثیرترند. قشربندی اجتماعی در واقع شکل ساخته یافته نابرابری اجتماعی محسوب می‌گردد. در این تحقیق برای نشان دادن وضعیت نابرابری‌های اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه از برخی آمارهای توصیفی که مبین وضعیت پراکنش و نیز عمق و جهت نابرابری‌هاست استفاده شده است.

برای این منظور نمره قشربندی محاسبه شده برای تک تک پاسخگویان در هر روستا مورد بررسی قرار گرفت و آمارهای توصیفی آن استخراج شد. آمارهای مورد استفاده عبارتند از انحراف معیار، ضریب کشیدگی، ضریب چولگی، دامنه تغییرات، ضریب تغییرات.

با نتیجه‌گیری از کل آماره‌های توصیفی به تفکیک روستا از ۲۱ روستای مورد مطالعه در ۱۱ مورد شدت نابرابر کم، در ۸ مورد شدت نابرابری متوسط و در ۲ مورد شدت نابرابری بالا بدست آمده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود علیرغم وجود فقر در اغلب روستاهای مورد مطالعه، میزان نابرابری در جامعه آماری در حد کم و متوسط است و نابرابری شدید کمتر مشاهده می‌گردد. می‌توان چنین استنباط کرد که فقر موجود از نوع "فقر عمومی" و گسترش یافته در جامعه روستایی است.

در روستاهای توسعه یافته‌تر وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد بطور عمومی نامطلوب‌تر از روستاهای توسعه نیافته است و توسعه تا حدود زیادی بر افزایش فقر و آسیب‌پذیری مؤثر بوده است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که گسترش امکانات و تسهیلات روستایی اغلب موجب بهتر شدن وضعیت گروه‌های مرفه در مقابل فقیرتر شدن فقرا گردیده است.

بنابراین تغییرات انجام شده در وضعیت توسعه منطقه به دلیل عدم جهت‌گیری به سوی قشر آسیب‌پذیر عمدتاً بسط و گسترش نفوذ و قدرت و ثروت اقتصادی را موجب شده است که استعداد و توانایی جذب، دستیابی و به کارگیری منابع جدید را داشته‌اند و گروه‌های آسیب‌پذیر را از این سفره نصیبی نبوده است. در این ارتباط به نظر می‌رسد برنامه‌هایی در جهت مسائل توسعه روستایی باید تدوین گردد که عمده‌ترین محور آنها به قول چمبرز "اولویت بخشی به فقرای روستایی" باشد.

بین میزان توسعه یافتگی و میزان نابرابری‌های اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بدین معنی که در روستاهای توسعه یافته‌تر نابرابری‌های اجتماعی بیشتر و در روستاهای کمتر توسعه یافته نابرابری‌های اجتماعی کمتر است و این به منزله تأثیر مستقیم توسعه یافتگی بر ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و شکاف بین فقیر و غنی است. اثر نابرابری‌های اجتماعی بر رابطه میان توسعه یافتگی و قشربندی اثری است فزاینده، بدین معنی که در روستاهایی که نابرابری‌های اجتماعی بیشتر است رابطه میان توسعه یافتگی و قشربندی بیشتر و در روستاهایی که نابرابری کمتر است رابطه بین این دو متغیر کمتر ارزیابی شده است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که نابرابری‌ها و دامن زدن به آنها افزایش وضعیت آسیب‌پذیری و برهم خوردن نظام قشربندی به نفع اغنیاء را موجب شده است.

نتیجه‌گیری

توزیع اقشار اجتماعی در کل جمعیت روستاهای مورد مطالعه بازگویی دو گروه اجتماعی اصلی بر حسب عامل مالکیت زمین است که هر یک بر حسب ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی به گروه‌های فرعی‌تر قابل تقسیم‌اند:

(الف) زمینداران شامل (۱) دهقانان خرده‌پا، (۲) دهقانان متوسط و (۳) دهقانان مرفه.

(ب) روستائیان فاقد زمین شامل سه قشر (۱) فقیر، (۲) متوسط و (۳) مرفه.

نتایج مطالعه بازگویی آن است که "بی‌زمین بودن" عامل مهمی در افزایش فقر روستایی به شمار می‌رود. در مجموع نسبت اقشار فاقد زمین به خصوص قشر فقیر فاقد زمین نسبت به بقیه اقشار بسیار زیادتر است. علاوه بر این نتایج مطالعات نشان می‌دهد که خانوارهای فاقد زمین که بخش عظیمی از فقرای روستایی را دربرمی‌گیرند، عمدتاً به فعالیت‌های اجاره‌کاری و سهم‌بری در اراضی افراد متمول و اقشار بالای زمیندار می‌پردازند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که گروه دهقانان خرده‌پا و بی‌زمینان فقیر در زمره‌ی اقشار آسیب‌پذیر روستایی قرار می‌گیرند. قدر نسبی جمعیت این گروه در روستاهای نمونه معادل ۵۳ درصد است. افراد فاقد زمین حدود ۴/۴ برابر بیشتر از افراد زمیندار در معرض فقر و آسیب‌پذیری قرار دارند. بنابراین بی‌زمین بودن مهمترین عامل آسیب‌پذیری و سقوط روستائیان به ورطه فقر محسوب می‌شود. سایر عوامل قابل ذکر عبارتند از: کهنسالی، نسبت وابستگی بالا، بیکاری، شغل نامناسب و فصلی، بیماری و ضعف جسمانی و بی‌سوادی.

از نظر میانگین ثروت و دارایی بین اقشار مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد و بر این اساس اقشار اجتماعی را می‌توان در ۴ گروه طبقه‌بندی کرد که عبارتند از: گروه بسیار فقیر شامل روستائیان بدون زمین متوسط و دهقانان فقیر، گروه متوسط شامل دهقانان متوسط و روستائیان بدون زمین مرفه و بالاخره گروه مرفه شامل دهقانان مرفه، بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که سه قشر روستائیان بدون زمین فقیر و متوسط و دهقانان فقیر کاملاً در معرض آسیب‌پذیری اقتصادی قرار دارند. نتیجه این‌که به نظر می‌رسد فرایند انسداد اجتماعی مورد نظر پارکین (گیدنز ۱۳۷۳، ص ۲۲۸) بین دهقانان و بی‌زمین‌ها به ویژه در میان فقرای بی‌زمین در جامعه مورد مطالعه وجود داشته است و نخبگان قدرت و ثروت با دست‌اندازی بر منابع مختلف امکان تحرک اجتماعی فقرا را محدود ساخته‌اند. این موضوع به ویژه در روستاهایی که میزان نابرابری در آنها بالاست، ملموس‌تر است، به علاوه اگر مالکیت زمین و سایر نهاده‌های کشاورزی را مالکیت بر ابزار تولید در نظر بگیریم فقر و آسیب‌پذیری روستائیان را می‌توان تا حدود زیادی نشأت گرفته از آن دانست. بنابراین شاید بتوان نظریه گیدنز که پایه تفاوت‌های طبقاتی را در داشتن یا نداشتن وسایل تولید می‌داند، در این زمینه معتبر دانست. علاوه بر این گیدنز مسأله فقر روستایی را در ارتباط با استثمار در رابطه بین شهر و روستاها، استثمار در روابط مبتنی بر جنسیت و ... نیز متصور می‌داند که به نظر می‌رسد در جامعه‌ی مورد مطالعه مصداق دارد (گیدنز ۱۳۷۴، ص ۲۴۰). همچنین نتایج این تحقیق، آراء چمبرز را در زمینه فقر روستایی تا حدود زیادی مورد تأیید قرار می‌دهد. در این زمینه چمبرز (چمبرز، ۱۳۷۷، فصل پنجم) معتقد است بی‌قدرتی و انزوای یکی از ابعاد مهم فقر روستایی است. این مسأله در جامعه روستایی مورد مطالعه نیز دیده می‌شود. به طوری که اقشار فقیر به دلیل نداشتن پول و سرمایه، کمی سواد، نداشتن قدرت در میان سازمانهای محلی و منطقه‌ای و پایین بودن منزلت اجتماعی، اکثراً توانایی بدست آوردن منابع مختلف مادی و غیرمادی را ندارد و این خود باعث ایجاد وضعیت آسیب‌پذیرتر در میان آنها می‌شود.

در دو قشر دهقانان فقیر و روستائیان فاقد زمین درآمدها تقریباً مساوی هزینه‌ها است. بنابراین هرگونه بهبود در الگوی تغذیه و مصرف مواد غذایی فقط به قیمت فروش نیروی کار بیشتر در بازار کار امکان‌پذیر می‌شود. در حالی که در قشر دهقانان متوسط نسبت درآمد به هزینه بالاتر از یک و در سه قشر مرفه فاقد زمین، دهقانان مرفه و روستائیان متوسط فاقد زمین، این نسبت از ۱/۵ بالاتر است و نشان دهنده آن است که در این اقشار اضافه درآمدهایی وجود دارد که صرفنظر از ایجاد استطاعت مالی برای بهبود مستمر الگوی مصرف و تغذیه، می‌تواند موجب

سرمایه گذاری بیشتر، افزایش اندوخته، سپرده‌ها و ... گردد که به نوبه خود تثبیت و ارتقای موقعیت اقتصادی افراد را موجب می‌شود.

دست آوردهای روش‌شناسی تحقیق حاضر حاکی از آن است که در بررسی پدیده‌ی فقر و آسیب‌پذیری در سطح روستاهای کشور، روش‌های قدیمی سنجش و تحلیل تک‌عاملی فاقد کارایی بوده است و استفاده از شاخص‌سازی ترکیبی مبتنی بر تعاریف مفهومی دقیق. کاربرد روش‌های پیشرفته آماری جهت وزن دهی و ترکیب داده‌ها و اعتباریابی اندازه‌ها، دقت در استلزامات محلی و منطقه‌های جهت تعریف و اندازه‌گیری مفاهیم و از همه مهم‌تر اجرای پژوهش‌ها بصورت میان رشته‌ای با حضور متخصصان مختلف در زمینه جامعه‌شناسی روستایی و توسعه روانشناسی اجتماعی، اقتصاد، ترویج، مدیریت و برنامه ریزی و ... می‌تواند در اجرای بهینه تحقیقات تأثیر به‌سزایی داشته باشد. مطلبی که در این پژوهش تا حدود زیادی الگوی عمل برنامه ریزان و مجریان تحقیق بوده است.

مآخذ

- ازکیا، مصطفی و دیگران (۱۳۷۷)، *بررسی اقشار آسیب‌پذیر جامعه روستایی منطقه گرمسار، پروژه ابعاد اجتماعی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و مرکز پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.*
- ازکیا، مصطفی و حسینی عراقی، هادی (۱۳۷۸)، *بررسی اقشار آسیب‌پذیر جامعه روستایی منطقه گرمسار، پروژه ابعاد اقتصادی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.*
- ازکیا، مصطفی و دیگران (۱۳۶۶)، *بررسی اجتماعی - اقتصادی نظام‌های بهره‌برداری در منطقه‌ی گرمسار، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.*
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲)، «جامعه روستایی و انقلاب»، ارائه شده در مرکز مطالعات خاورمیانه، دانشگاه آکسفورد: زیر چاپ.
- چیتامبار، جی. بی. (۱۳۷۸)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی*، ترجمه مصطفی ازکیا، احمد حجاران، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۷)، *توسعه روستایی اولویت‌بخشی به فقرا*، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- زاهدی‌مازندرانی، محمد و زاهدی‌عقبری، ابراهیم (۱۳۷۵)، «روستائیان فقیر و آسیب‌پذیر»، نشریه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه‌ی فقر و آسیب‌پذیری روستایی، سال چهارم.
- زبیدی، کرامت‌الله (۱۳۷۵)، «مفاهیم و متدلوژی تعیین فقر و توزیع درآمد»، چکیده مقالات *گردهم‌آیی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی*، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- گالبرایت، جان. کنت. (۱۳۶۶)، *ماهیت فقر عمومی*، ترجمه محمد حسینی عادل، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴)، *نابرابری و قشربندی اجتماعی*، انتشارات دانشگاه شیراز.

- Blalock, H. (1984) *Social Statistics*, N.Y.: Macmillan.
- Cochran, W.C. (1979) *Sampling Techniques*. N.Y.: John Wiley & Sons.
- Sharp. V. (1984) *Statistics for the Social Sciences*. Boston: Little Brown and Company.